

نیروهای چپ در گلوی امریکا



مختصری در رابطه به اوضاع امریکای جنوبی:

پس از چندین دهه جنگهای طولانی، سرانجام در سال (۱۸۷۰) ایالات متحده امریکا موفق شد تا دست هسپانیه را از امریکای لاتین قطع کند. اما خود به دیکتاتور استعمارگر تبدیل شده و افرادی چون «جنرال باتیستای» دایم الخمر را بر مردم کوبا تحمیل کرد و کوباییها نیز به دامان شوروی سابق پناه بردند و با انقلاب سوسیالیستی خود به رهبری «فیدل کاسترو» و «ارنستو چه گوارا» دست امریکا را از کوبا کوتاه کردند. اکنون با گذشت نزدیک به دو دهه از فروپاشی شوروی، ایالات متحده به دنبال استیلای قطعی و چپاول کشورهای منطقه است. به گونه یی که انقلاب ضد امریکایی مردم نیکاراگوا را که علیه دیکتاتوری و استبداد، دست نشانده کاخ سفید به نام «آناستازیا سوموزا»، صورت گرفت و یا ساندنیستها که برای «دانیل اورتگا» به پیروزی و رهبری این انقلاب دست یافتند به ناکامی بکشاند.

امریکا از طریق السلوادور به کمک «خوزه ناپلیون دوآیته» معروف به رئیس جمهور «یک میلیون دالری» (امریکا برای پیروزی او یک میلیون دالر به مصرف رسانیده بود) که به ضد انقلابیون نیکاراگوا معروف به کنترها به رهبری «آل پاستورا»، پس از یک دهه ساندنیستها و انقلاب آنها را به شکست کشانیده و خانم «ویولتا چامورا» و سایر طرفداران خود را طی یک دهه گذشته بر مردم نیکاراگوا تحمیل کرد، تا آنکه چند سال قبل بار دیگر «دانیل اورتگا» و ساندنیستها به پیروزی مجدد نایل شدند. اما «اورتگای امروز» اورتگای یک دهه گذشته نیست، زیرا اولین کسی که پیروزی او در انتخابات را تبریک گفت «بوش پسر» رئیس جمهور سابق امریکا بود.

گروه «فارک» که به گروه «نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا» معروف هستند، بیش از (۴۰) سال است با دولت مرکزی کلمبیا در مبارزه هستند. چندی قبل گروه «فارک» تعدادی از اعضای سابق کنگره کلمبیا را به گروگان گرفتند که با مداخلهٔ چاوز رئیس جمهور ونزوئلا (۶) تن آنها آزاد شدند. یکی از فرماندهان ارشد «فارک» (رائول ره یس) (۵۹) ساله طی عملیات نظامی مشترک قوتهای نظامی و پلیس کلمبیا در مناطق سرحدی اکوادور کشته شد. وی در دهه (۱۹۷۰) میلادی از حزب کمونیست کلمبیا به گروه چپگرای «فارک» ملحق شده بود.

«رایس»، وزیر خارجه سابق امریکا نیز طی سفری به کلمبیا از حمایت کاخ سفید از «آلوارو اوربیه» به عنوان نزدیکترین متحد دولت جورج بوش در منطقهٔ امریکای لاتین یاد کرد. «رایس» در یک کنفرانس مطبوعاتی مشترک با «اوربیه» گفت: امریکا باید از دوستانی چون کلمبیا که در زمینه مبارزه با تروریسم پیشرفتهایی داشته اند حمایت کند و ما نسبت به این موضوع خوشبین هستیم که کنگره امریکا یک پیمان تجارت آزاد با کلمبیا را تصویب کرد.

این دیدار در زمانی صورت گرفت که چاوز رئیس جمهور ونزوئلا، امریکا و کلمبیا را به طراحی نظامی برای حمله به کشورش و نیز دولت ضد امریکایی «رافائل کوری» در اکوادور متهم کرد و هدف اصلی سفر «رایس» به کلمبیا را ارزیابی نمود و گفت: من با قاطعیت می گویم که شورشیان «فارک» تروریست نیستند.

چنانچه جورج بوش رئیس جمهور سابق امریکا در سفر خود به (۵) کشور امریکای لاتین و پس از ورود به کلمبیا در فرودگاه شهر بوگوتا پایتخت این کشور خطاب به «آلوارو اوربیه» یادآور شد: «من عزم شما را در مبارزه با تروریسم و حفظ و صیانت از مناطق امریکایی که از هیچ کوششی فروگذاری

نمی‌کنید، ستایش می‌کنم و کشورم شما را شریک استراتژیک خود می‌داند. دولت کلمبیا از بزرگترین دریافت‌کننده گان کمک‌های مالی امریکا برای مبارزه علیه چریک‌های چپ‌گرا می‌باشد.

اکوادور،

اکوادور در شمال غربی امریکای جنوبی موقعیت دارد. پایتخت آن «کیتو» است. در شمال با کلمبیا و ونزوئلا، در شرق و جنوب با پیرو و در غرب با اقیانوس آرام محاط است.

اکوادور برای اولین بار در سال (۱۸۲۲) استقلال خویش را از هسپانیه به دست آورد و به حیث یک جمهوری مستقل شناخته شد. تقریباً (۱۴) میلیون نفوس دارد، زبان رسمی آنها هسپانویست. سال‌های متمادیست که دولتهای بر سر قدرت در اکوادور، در اثر بی‌کفایتی در نظام خویش و نارضایتی مردم، قبل از ختم دوره تعیین شده، برکنار شده‌اند.

اکوادور دارای نظام جمهوریست و رئیس‌جمهور برای یک دوره (۴) ساله توسط مردم انتخاب میشود. در نتیجه انتخابات (۲۶ نوامبر سال ۲۰۰۶) «رافائل کوری» از حزب چپ اکوادور بر «آلوارو نو با» که تا گلو در قرضداری مؤسسات خارجی و سرمایه‌داران امریکایی و فساد اداری غرق بود، پیروز گردید.

قرار بود که دولت اکوادور در ماه دسامبر سالجاری حدود (۳۰ میلیون دالر) قرضداریهای دولت سابق را به سرمایه‌گذاران خارجی بپردازد، که از جانب «رافائل کوری» این قرضداری نامشروع اعلان گردید و از پرداختن آن ابا و ورزیده شد.

اکوادور پنجمین کشور تولیدکننده نفت خام در امریکای لاتین است، بناءً همیشه مورد توجه دولتهای امریکا قرار گرفته و تلاش کرده‌اند تا به شکلی از اشکال بر اکوادور حاکم باشند.

به تاریخ (۳۰ سپتامبر ۲۰۱۰) در جریان صحبت «رافائل کوری» با مردم، مخالفین وی گازه‌های اشک‌آور را انفجار دادند و رافائل در اثر زخمی که برداشت، به بیمارستان انتقال داده شد اما بعداً در بیمارستان توسط نیروهای پلیس که دست به تظاهرات زده بودند به گروگان گرفته شد. با مداخله قوت‌های نظامی آن کشور دوباره آزاد و به ریاست جمهوری بازگشت. طرفداران او ناکامی کودتا را که گویا با مداخله دولتهای خارجی سازمان داده شده بود، جشن گرفتند.

علت ناآرامیهای روز پنجشنبه (۳۰ سپتامبر) را چنین به نشر رسانیده اند که: کنگره اکوادور فیصله نمود تا مقداری از حقوق و امتیازات قوتهای مسلح کشور را که شامل پلیس و اردو میگردد، قطع نمایند. مخالفین این فیصله کنگره اکوادور، تعدادی از افسران پلیس فرودگاه (کیتو) پایتخت اکوادور را در تصرف خویش درآوردند و از پروزا و نشست هواپیماها ممانعت کردند. همچنان تعداد دیگری نیز به ساختمان کنگره حمله نموده و آن را در اختیار خویش گرفتند. در پایتخت و بعضی از شهرها نیز تعدادی از فروشگاهها را چور و چپاول نموده و بعضی از بانکها را نیز غارت کردند.

گرچی شخصاً «رافائل کوری» تصمیم داشت تا بنابر عدم موافقت تعدادی از چپ گرایان حزب وی که اعضای کنگره اند، فیصله نامه مبنی بر کاهش حقوق و امتیازات را منحل اعلام کند اما قبل از آنکه وی تصمیمی در مورد بگیرد، ناآرامیها آغاز گردید. کودتا در همان روز با مداخله قوتهای نظامی علیه پلیس ناکام شد.

«رافایل کوری» طی سخنرانی به تاریخ اول اکتوبر یاد آور شد که: «... اگر کسی یا گروهی میتواند با کشتن من به این سرزمین زنده گی بهتری بدهد من حاضرم برای این آرمان جان خویش را فدا کنم!..»

امروز از امریکای لاتین تا خاورمیانه و حتی افریقا و آسیا دیگر جای امنی برای سرمایه داران و متجاوزین امریکایی نیست و در آینده هم نخواهد بود.

منابع استفاده شده: سایت آفتاب آیر، ویکیپدیا، نشریه پولیتیکن دنمارکی و سایت خبری بی بی سی.